



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



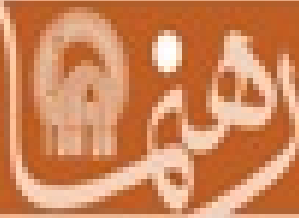
عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



۳۵

استاذ الفقه و حقوق
مجتهد الفقه و اجتهاد امام



علی نو علم

اگر ولایت فقیه نمی بود...؟



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رهنما ۳۵ : (اگر ولایت فقیه نمی بود)

نویسنده:

اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی معاونت
تبلیغات و ارتباطات اسلامی

ناشر چاپی:

انتشارات آستان قدس رضوی - به نشر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	رهنما ۳۵ : (اگر ولایت فقیه نمی بود)
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۰	اگر ولایت فقیه نمی بود...؟
۱۲	درآمد
۱۴	۱. نگاهی پرنده ای به گذشته
۲۴	۲. رد پای ولایت فقیه در مسیر پیشرفت انقلاب
۴۶	۳. سخنی در پایان
۴۹	برای مطالعه بیشتر
۵۱	درباره مرکز

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: اگر ولایت فقیه نمی بود؟/گردآورنده معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی.

مشخصات نشر: مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۵۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۴۳-۷۸-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: ولایت فقیه

شناسه افزوده: موسسه انتشاراتی قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

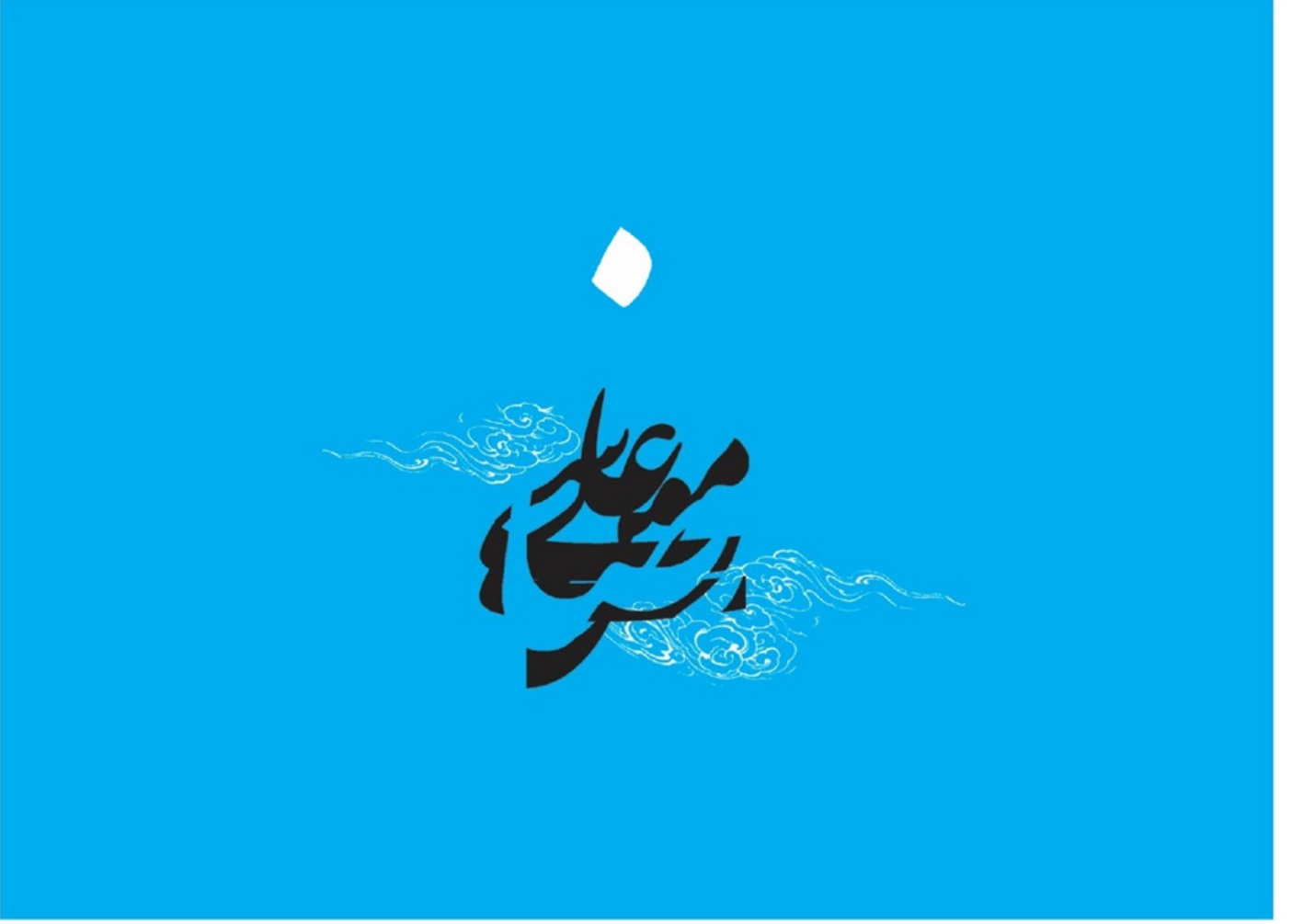
رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۷۲ الف/BP۲۳۳/۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۵

شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۶۸۳۱۷

ص: ۱

اشاره



اگر ولایت فقیه نمی بود...؟

پرسش های زیر را، در این نوشتار، پاسخ می گیرید:

۱. در تاریخ معاصر ایران، چرا حرکت های اصلاحی و تحول طلبانه پیش از انقلاب اسلامی، به نتیجه ای ماندگار و پایدار ختم نشدند؟
۲. درباب ضرورت عملی وجود نهاد «ولایت فقیه» در نظام سیاسی ایران، چه نمونه های تاریخی مؤثری می توان برشمرد؟
۳. نبود نهاد رهبری در ساختار قدرت در ایران، چه پیامدهایی در پی خواهد داشت؟

ص: ۵



در ارزیابی کارویژه و میزان کارآمدی هر نهاد سیاسی اجتماعی، مقایسه و بررسی تطبیقی، روشی معمول و مفید است. البته، نباید از این روش برای چشم پوشی از کاستی ها و قانع شدن به وضع موجود استفاده کرد؛ زیرا از نگاه توحیدی و در نظام اسلامی، جامعه اسلامی همواره باید روبه پیش داشته باشد و هر چند سایر جوامع یا نظام های سیاسی، دچار کاستی ها و اشکالات فاحشی باشند، از کاستی ها و اشکالات اندک جامعه اسلامی و حاکمیت آن نباید غفلت کرد یا با توجهات ناموجه، از آن ها چشم پوشید. اما، به هر حال، برای کسانی

که نسبت به اصل ساختار نظام و درستی آن تردید دارند و گمان می کنند سایر نظام ها کارآمدی بیشتری دارند، روش مقایسه با واقع بینی و انصاف، حقیقت امر را روشن می سازد.

در باب کارآمدی عنصر «ولایت فقیه» در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران، می توان از این روش استفاده کرد و این پرسش را پاسخ داد که در سی سال گذشته، اگر چنین عنصری

وجود نمی داشت، چه بر سر کشور و ملت ایران می آمد؟

توجه داشته باشیم که در این بحث، اشخاص در جایگاه مشخص خودشان مطرح نیستند؛ بلکه مهم تر از آن، شخصیت و جایگاه معنوی و حقوقی «ولایت فقیه» است که مطرح است. امام راحل با همه توانمندی و استعداد و نبوغ سیاسی، اگر در خاستگاه و جایگاه «ولی فقیه» و در رأس نظام نبودند، آیا باز هم می توانستند همان کارآمدی را داشته باشند؟ و قائد حاضرمدظله العالی اگر این پشتوانه معنوی و حقوقی را نمی داشتند، آیا همین نقش آفرینی امروز را داشتند؟ بنابراین، محور بحث این است که اگر این عنصر در ساختار نظام سیاسی کشور پیش بینی نشده بود، حتی اگر زمام امر به دست همین بزرگواران هم می بود، این کارآمدی محقق نمی شد. بدیهی است مادامی که این جایگاه رفیع و کارآمد را شخصیت های شایسته و واجدشرایط احراز کنند، این نقش آفرینی تحقق خواهد یافت و هر چه صلاحیت ها و شروط احراز این جایگاه، بیشتر فراهم باشد، قطعاً کارآمدی آن افزایش خواهد یافت.

ص: ۸

۱. نگاهی پرنده ای به گذشته

۱. در تاریخ معاصر ایران، چرا حرکت های اصلاحی و تحول طلبانه پیش از انقلاب اسلامی، به نتیجه ای ماندگار و پایدار ختم نشدند؟

مطالعه اجمالی تاریخ معاصر کشورمان در چهار مقطع و مقایسه و ارزیابی این مقاطع با یکدیگر، نشان می دهد که در سی سال اخیر، باوجود مشکلات و کاستی های ناشی از فروپاشی یک رژیم سیاسی و جانشینی نظامی نوین و با همه اشکالات ناشی از بی تجربگی و نبود انسجام در ساختارها و مدیریت کشور، کشور ما ثبات پایدارتر، رشد همه جانبه تر، امنیت داخلی کامل تر و جایگاه بین المللی برتری نسبت به مقاطع قبل از خود داشته است.

البته سده های پیشین تاریخ ایران وضعیت بهتری نسبت به صدساله اخیر نداشته است؛ ولی از آغاز مشروطه خواهی که دوران بروز و ظهور تحول خواهی و اصلاح طلبی فراگیر در تاریخ کشور ماست، باوجود همه مجاهدت ها و رنج هایی که نخبگان مُصلح و جمعیت ها و شخصیت های فعال

ص: ۱۰

مذهبی، اجتماعی و سیاسی متحمل شدند، اوضاع جامعه ایرانی نه تنها بهبود چشمگیر و مطلوبی نداشت، بلکه در برخی مقاطع، دچار عقب‌گرد و ضعف و سستی بیشتری می‌شد.

مقایسه چهار مقطع تاریخ معاصر، می‌تواند سیر کلی فرود و فراز جامعه ایران را نشان دهد: (۱)

۱-۱ از آغاز نهضت مشروطه تا عزل قاجاریه و استقرار خاندان پهلوی (۱۲۸۳ تا ۱۳۰۴)

۲-۱ دوران استبداد پهلوی اول تا شکست نهضت ملی شدن نفت و آغاز نفوذ همه‌جانبه آمریکا در ایران (۱۳۰۴ تا ۱۳۳۲)

۳-۱ دوران استبداد و اختناق پهلوی دوم و گسترش و تعمیق نفوذ استعماری آمریکا تا پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷)

۴-۱ دوران استقرار و حاکمیت نظام جمهوری اسلامی (۱۳۵۷ تا امروز)

ص: ۱۱

۱-۱. موسی نجفی و موسی حقانی، تاریخ تحولات سیاسی ایران.

تأملی در میزان استحکام، رشد، امنیت، عزت و تعالی جامعه ما در این مقاطع چهارگانه، نشان می دهد که حقیقتاً دوران سی ساله اخیر، با مقاطع پیشین، اساساً، مقایسه پذیر نیست.

۱-۵ حرکت اجتماعی سیاسی مشروطه، حرکتی مردمی بود که انتظار موفقیت و کامیابی آن، انتظار نابجایی نبود؛ ولی دوره ۲۵ ساله پس از آن، دوران آشوب، هرج و مرج، فروپاشی نظم پیشین (بدون جانشینی نظم نوین)، شکاف های اجتماعی و فرهنگی عمیق، سر بر آوردن قیام های محلی و ایجاد زمینه های تجزیه و فروپاشی کشور بود که در نهایت، به استقرار حکومتی خودکامه و فاسد انجامید.

۱-۶ پس از آن، ایران دوران ثبات خفقان آمیز و نوسازی وابسته و روبنایی را سپری می کند. کشور با اشغال بیگانه و جابه جایی قدرت توسط استعمار و بدون نقش آفرینی مردم، دچار هرج و مرج و آشوب می شود و هنگامی که با تلاش ها و مجاهدت های فراوان به دولتی ملی دست می یابد و می خواهد دستاوردهای مشروطیت را عینیت بخشد، با توطئه بیگانگان و سستی و تفرقه نیروهای

زمینه استقرار دوباره دیکتاتوری و خفقان فراهم می آید؛ با این تفاوت که این بار، یک قدرت استعماری تازه نفس و نوپا از این وضعیت حمایت می کند و آن را زمینه نفوذ و حضور همه جانبه خویش برای تأمین منافع نامشروع خود قرار می دهد.

۱-۷۲۵ سال سوم، دوران بی مانندی در تاریخ کشور ما است: سلطه بلامعارض آمریکا با تکیه بر خفقان و سرکوب، همراه با اقدامات و شعارهای فریبنده و سکوت یا همراهی بخش عمده ای از نخبگان سیاسی و اجتماعی، به تدریج، ایران را به پایگاه و نگهبان منافع آمریکا در منطقه تبدیل می سازد و وابستگی همه جانبه ای برای ما به ارمغان می آورد. (۱) درآمدهای سرشار و فرصت های تاریخی بی مانند در این دوره، به خدمت طبقه حاکم فاسد و وابسته و جاهل گرفته می شود و ده ها هزار انسان مؤمن، پاک باخته و حق طلب، برای استقرار حکومت اسلامی

ص: ۱۳

۱- ر.ک: محمدباقر حشمت زاده، چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی؛ و عباسعلی عمید زنجانی، انقلاب اسلامی و ریشه های آن.

و ازمیان برداشتنِ نظامِ شاهنشاهی، به عنوان بزرگ‌ترین مانع رشد و تعالیِ جامعه، جان خود را تقدیم آزادی می‌سازند.

در این سه مقطع ۲۵ساله، اساساً فرصتی برای جامعه سازی وجود ندارد. فقدان حاکمیتِ برخاسته از اراده ملی، انزوای ارزش‌های فرهنگیِ اصیل جامعه، سلطه بیگانه بر سرنوشت مردم و اصل بودن منافع نامشروع دیگران به جای مصالح و منافع ملی، در سیاست گذاری‌ها و برنامه ریزی‌ها و اداره امور، مانع هرگونه رشد، شکوفایی، توسعه و تعالی است. در چنین فضایی، نیروی اصلی جامعه صرف برداشتن موانع می‌شود و دیگر توش و توانی برای سازندگی و پیشرفت واقعی و همه جانبه باقی نمی‌ماند.

۱-۸ اما دوران کنونی، دوران استقرار مردم سالاری دینی و شکل‌گیری ساختارهای نوین حکومتی و تحقق شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» و سیاست مستقل «نه شرقی، نه غربی» است. در این دوره، باوجود توطئه‌ها، ندانم کاری‌ها، اختلاف سلیقه‌ها و دیدگاه‌ها، فشارها

و تحریم های خارجی، ضرورت دفاع از کشور در مواجهه با هجوم نظامی و...، جامعه ایرانی این فرصت را برای اولین بار به دست می آورد که با اراده و تصمیم خود و با مدیریت منتخبان و برگزیدگان خویش، امکانات شگرف انسانی و مادی خود را در جهت مصالح و منافع خود به کار گیرد و در فضای مستقل و آزاد سیاسی اجتماعی، اُفتان و خیزان، راه مستقل خود را ترسیم و تعقیب کند.

نهادینه شدن هویت دینی و خودباوری ملی و انقلابی، پس از سی سال، نتایج خود را به تدریج آشکار می سازد: ملتی که زمانی روشنفکران وابسته اش، او را از آلونک سازی نیز ناتوان می دیدند و توصیه می کردند که از فرق سر تا نوک پا، «فرنگی» شود، به نقطه ای می رسد که می تواند به پیچیده ترین فناوری ها دست یابد و دشمن خود را از پیشرفت هایش در دستیابی به تکنولوژی هسته ای، به هراس افکند. استحکام ملی و امنیت پایدار داخلی و خارجی این ملت در این دوره، به نقطه ای می رسد که آشوب های هدایت شده و

حمایت شده داخلی را بدون توسل به

خشونت و کشت و کشتار، مهار و خنثی می ساخته و دشمنِ یکه تاز و بی پروا را در پشت مرزهای خود متوقف می سازد.

مقایسه این مقاطع چهارگانه، توفیق و کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران را ثابت می کند و نشان می دهد که با وجود همه کاستی های خرد و درشت، زیرساخت های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی لازم برای تحقق مدنیت نوین اسلامی، در ایران فراهم شده است و جامعه ایرانی در حال حرکت به سوی وضعیت مطلوب است.

این، در حالی است که موقعیت جهانی شدن و نظم تازه بین المللی، بسیاری از کشورهای پیشرفته را با چالش ها و حتی بحران های عمیقی رویاروی ساخته است (۱) که اگر انقلاب اسلامی در کشور ما، موجب اصلاح بنیادین ساختار سیاسی و اجتماعی حاکم بر کشور نشده بود، روند

ص: ۱۶

۱- ر.ک: هانس پیتر مارتین و هارلد شومن، دام جهانی شدن.

نزولی سیر جامعه، شتاب بیشتری می یافت و وضعیت جامعه ما در چهارمین مقطع، نسبت به مقاطع پیشین، به مراتب وخیم تر می شد.

سخن در این نیست که ضعف ها، کاستی ها، آسیب ها و آفات موجود را نادیده بگیریم یا ضرورت اصلاح و بهبود امور در عرصه ها و لایه های گوناگون جامعه و حاکمیت را انکار کنیم؛ ولی، واقع بینی و انصاف حکم می کند که سیر کلی جامعه را در نظر آوریم تا فهرست بلند نارسایی ها و اشکالات، ما را از فهرست بلندتر و کلان تر دستاوردها و نتایج مثبت تلاش ها و فداکاری های ملت، غافل نسازد.

ص: ۱۷



۲. ردّ پای ولایت فقیه در مسیر پیشرفت انقلاب

۲. درباب ضرورت عملی وجود نهاد «ولایت فقیه» در نظام سیاسی ایران، چه نمونه های تاریخی مؤثری می توان برشمرد؟

اینک، به فراخور موضوع پژوهش، بررسی می کنیم که اگر عنصر ولایت فقیه در نظام سیاسی سی ساله اخیر ما وجود نمی داشت، آیا رسیدن به این وضعیت ممکن بود؟

درنگی در وقایع و روند جریان امور در ربع قرن اخیر ایران و تأملی موشکافانه و منصفانه بر مبانی مشهودات و واقعیات، نقش مؤثر نهاد ولایت فقیه را که کارآمدی نسبی بالایی نیز داشته است، در عرصه های زیر نشان می دهد.

۱-۲ استقرار و تثبیت نظام

خطری که غالباً انقلاب ها و شورش های حاد مردمی را تهدید می کند، توفیق نیافتن انقلابیان در استقرار نظامی مطلوب، باوجود توفیق آنان برای در هم ریختن نظام حاکم و

ص: ۲۰

فروپاشاندن ساختار موجود است. «ساختن» به مراتب دشوارتر از «تخریب» است و ویران سازی نظامی استبدادی و وابسته، اگرچه کاری ارزشمند و دشوار است، در مقایسه با پیچیدگی ها، آسیب ها، موانع و فقدان بسترهای مناسب و لازم برای برقراری ساختاری نوین و نظمی جدید، سهل الوصول تر و ساده تر است. تجربه مشروطیت در کشور ما، خود، نمونه ای از این چالش بزرگ است که هر انقلابی را تهدید می کند.

ویژگی های انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، از قبیل سرعت و شتاب وقایع و جریان های اجتماعی منتهی به پیروزی، استقلال فکری انقلاب و بدیع بودن نظام سیاسی مطلوب انقلابیان، اختلاف نظرهای فاحش نیروهای اجتماعی و سیاسی درباره نظام مطلوب و چگونگی استقرار آن باوجود وحدت نظر قاطع آنان در مبارزه با رژیم پهلوی و...، این تهدید را برای انقلاب اسلامی مضاعف می ساخت و از همین رو، یکی از نگرانی های انقلابیان، وضعیت آینده انقلاب بود.

آنچه، در واقعیت، توانست این نگرانی و تهدید جدی را برطرف سازد و سرمایه عظیمی

را که ملت ایران برای انقلاب اسلامی هزینه کرده بود، از خطر تباهی و بی ثمر شدن در گیرودار آشوب ها و کشمکش ها و هرج و مرج های پس از پیروزی نجات دهد، تدبیر و مدیریت قاطع و صحیح امام خمینی بود که با ایجاد تمرکز نسبی و در حدّ مقدور برای اداره امور کشور و تشکیل شورای انقلاب، مرگب از نمایندگان جریان های سیاسی مختلف و برخوردار از پشتوانه ای مطمئن، و نیز با ارائه برنامه ای روشن و صریح برای استقرار پایه های قانونی نظام و پیگیری برای اجرای آن، زمینه و موقعیت عبور از دوران «دولت موقت انقلابی» را به سرعت فراهم ساخت و با اِتقان و استحکام، نظام جدید را در فاصله ای کمتر از ۱۷ ماه، مستقر کرد.

در ۷ خرداد ۱۳۵۹، با تشکیل اولین دوره مجلس شورای اسلامی، همه نهادهای قانونی منتخب مردم در چارچوب قانون اساسی مصوب، به طور کامل تأسیس و ساختار سیاسی نوین پس از انقلاب، آغاز به کار کرد و تاکنون استمرار یافته است. در حالی که پس از انقلاب ۱۹۱۷ شوروی، چهار سال طول کشید تا قانون اساسی جدید به اجرا درآید و ۱۳ سال بعد، با ملغی شدن

آن، قانون اساسی دیگری تدوین و تصویب شد. (۱) نیز، در انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه، اگرچه اولین قانون اساسی دو سال بعد تصویب شد، با روی کار آمدن ناپلئون و استقرار مجدد امپراتوری به جای جمهوری، ساختار جدید دیری نپایید و جمهوری اول فرانسه، ۱۳ سال پس از انقلاب، با ناکامی به پایان رسید. (۲)

قطعاً، اگر حضور و نفوذ ولایت فقیه و پشتوانه شرعی و معنوی آن در ملت ما وجود نمی داشت، نظام سیاسی پس از انقلاب با این سرعت، استحکام و مقبولیت نمی توانست تثبیت و مستقر شود. این حقیقتی است که نمی توان نادیده اش گرفت. (۳)

ص: ۲۳

۱- سیدجلال الدین مدنی، حقوق اساسی تطبیقی، ص ۵۹ و ۶۰.

۲- همان، ص ۶۸.

۳- ر.ک: محمد شفیعی فر، درآمدی بر مبانی فکری انقلاب اسلامی.

هر انقلابی پس از پیروزی، خواه ناخواه، دچار مشکلات حاد و بحران های دشواری می شود که گاه، تأخیر در حل آن یا عدم مواجهه اصولی و مؤثر با آن، این بحران ها را به تهدیدی علیه اصل انقلاب تبدیل می سازد. توده مردم نیز انتظار دارند که همه خواست ها و مطالبات متراکم آنان را انقلابیون تأمین کنند؛ آن هم با سرعت و به طور کامل! به خصوص، اقشار و طبقات رنج کشیده و ستمدیده جامعه با پیدا کردن فرصت برای طرح خواسته های خود و غالباً بدون توجه به محدودیت ها و موانع، به رهبران انقلاب فشار می آورند و تحقق سریع وعده های انقلاب را انتظار می کشند.

فروپاشی رژیم پیشین و ازهم گسستگی اوضاع جامعه که از آثار قهری هر انقلابی است، از جهتی مشکلات را می افزاید و بحران ها را تشدید می کند. اشتباه یا اشکال در کار مدیران و کارکنان که تا پیش از انقلاب، به حساب مردمی نبودن و وابسته بودن حکومت گذاشته می شد و تا حدود زیادی طبیعی جلوه می کرد، اکنون برجسته شده و نابخشودنی تلقی می شود.

در این میان، وابستگان رژیم پیشین و افراد و گروه های قدرت طلب نیز، از طرفی، درصدد

نفوذ در صف انقلابیون و درست کردن کلامی از این نماد برای خود بر می آیند و از طرف دیگر، با طرح شعارهای افراطی و تهییج جامعه، به آشفته شدن بیشتر اوضاع و بدبینی نسبت به مدیران انقلاب دامن می زنند. اگر این انقلاب، انقلابی مستقل از قدرت های بزرگ و معارض با منافع نامشروع آنان باشد، طبعاً آنان را هم مستقیم یا غیرمستقیم، به تضعیف اقتدار و کارشکنی بر سر راه نظام جدید وامی دارد.

این بحران سازی ها و مشکل آفرینی ها به حجم مشکلات و بحران هایی که زمینه ساز انقلاب بوده است، اضافه می شود. چنین وضعیتی برای هر انقلابی چندان دور از انتظار نیست و مهم، چگونگی مهار این بحران ها است تا زمام کار از دست انقلابیان خارج نشود و فرصت را از آنان نگیرد.

در انقلاب اسلامی ایران، عامل مهمی که توانست به مهار و کنترل این بحران ها و بحران سازی ها کمک کند و باوجود حجم فراوان و گوناگون اشکال و قالب های این مشکلات، مردم را از انقلاب مأیوس نسازد و نهایتاً پس از گذشت سی سال از انقلاب، جامعه را به

سلامت

ص: ۲۵

از این گرداب‌ها برهاند، اعتماد عمیق توده مردم و نیز نخبگان و رهبران و مدیران میانی انقلاب به امام خمینی و رابطه نزدیک، معنوی و دینی امام راحل با امت بود که از خاستگاه «ولی فقیه» و کارویژه‌های آن حاصل آمده بود.

هنگامی که هنوز قانون اساسی جمهوری اسلامی تدوین و تصویب نشده بود و پس از اینکه راهکارهای مسالمت آمیز و گفتگوهای دولت موقت برای کنترل بحران مناطق آشوب زده کردستان، نتیجه‌ای نداد و مشخص شد که گروه‌های مسلح غیرقانونی و ضدانقلاب با استفاده از پشتیبانی‌های بیگانه، در صدد تجزیه ایران اسلامی اند، امام راحل در مقام فرمانده کل قوا، فرمان بسیج و اعزام نیروهای مسلح و سازماندهی نیروهای مردمی را برای نجات کردستان صادر کرد و با این تدبیر، توطئه عمیقی را خنثی ساخت که علیه کلیت انقلاب طراحی و هدایت می شد.

فرمان امام برای بازگشایی دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، آغاز به کار مجدد کارخانه‌ها و شکسته شدن اعتصابات انقلابی، حمایت از ارتش و بازسازی نیروهای مسلح سه گانه برای

دفاع از کشور، تشویق روستاییان و کشاورزان برای جدّیت در کار تولید محصولات کشاورزی و به خصوص کشت گندم و...، نمونه‌هایی است از نقش رهبری در کنترل و مهار بحران‌ها و مشکلات پس از پیروزی که تنهاوتنها، با استفاده از جایگاه معنوی و مذهبی رهبری ولایت فقیه ممکن می‌شد و مؤثر می‌افتاد.

مروری بر سخنان امام با اقشار مختلف مردم که از سراسر کشور و از نقاط دور و نزدیک، به حضور ایشان می‌رسیدند، نشان می‌دهد که چه مشکلات ریز و درشتی در این ملاقات‌ها مطرح می‌شد و امام، چگونه آنان را به هدف‌ها و برنامه‌های اصلی انقلاب توجه می‌داد و به صبر و حوصله در حل مشکلات، دعوت و توصیه می‌کرد. این توصیه‌ها و رهنمودها نیز، در کاستن از حجم مشکلات و مطالبات، مؤثر واقع می‌شد. (۱)

ص: ۲۷

۱- . ر.ک: صحیفه امام، سخنان امام در ملاقات‌های نیمه اول سال ۵۸.



اگر چنین جایگاهی در ذهن و دل توده مردم، نفوذ و تقدسی نداشت و اگر عنصر رهبری ولایت فقیه در عرصه جامعه حضور نمی داشت، کدام رهبر حزبی و کدام مدیر سیاسی می توانست این بحران ها را از سر راه انقلاب بردارد و راه پیشرفت اهداف انقلاب را فراهم سازد؟ علاوه بر اینکه حضور رهبری دینی و ولایی در رأس نظام سیاسی، مشارکت و اعتماد سایر نیروهای مؤثر اجتماعی را در سروسامان دادن به اوضاع جامعه، جلب می کند و امکانات معنوی جامعه را فعال می سازد.

برای نمونه، تأسیس کمیته های انقلاب اسلامی در سراسر کشور و استفاده از مساجد به عنوان پایگاه های دفاع و حراست از انقلاب و به کارگیری روحانیان شاخص و معتد مردم برای هدایت و نظارت بر کار کمیته ها و بسیج توده مردم و به کارگیری جوانان و نوجوانان برای استقرار نظم نسبی در وضعیت حساس فروپاشی نظام طاغوتی، تا چه حد در کنترل اوضاع پس از انقلاب نقش داشت؟ آیا به فعلیت رساندن چنین نیروی عظیمی جز با تکیه بر رهبری

ولایی، ممکن می بود؟

حتی پس از استقرار نهادهای قانونی جمهوری اسلامی و گذار از دوران «دولت موقت انقلابی»، بحران های عمیق تری انقلاب را تهدید می کرد. شکل گیری جبهه سیاسی جدیدی، مرگب از عناصر غرب گرا و متمایل به قدرت های استعماری و گروه های تروریستی به ظاهر رادیکال و تندرو که برای رسیدن به قدرت، توسل به هر وسیله ای را مجاز می دانستند، در برابر جریان اصلی انقلاب، بحرانی بود که می توانست نتیجه همه تلاش ها و مبارزات دوران انقلاب را خنثی ساخته و انقلاب اسلامی را به سرنوشت مشروطیت مبتلا سازد. صف آرای این جبهه، به ظاهر، در برابر جناح روحانیان تلقی می شد؛ ولی در واقع، تلاشی برای مقابله با جریان اصیل انقلاب بود.

اولین رئیس جمهوری منتخب، با حدود ۷۰ درصد آرای رأی دهندگان، ظاهراً رهبری این جبهه را برعهده داشت و به تدریج، صریحاً در برابر دستاوردهای انقلاب، قانون اساسی، نهادهای

ص: ۳۰

مردمی و رهبری ولایی موضع گیری و اقدام کرد. البته خط مشی فکری و سیاسی این جبهه، قبل از پیروزی انقلاب در جریان های لیبرال مسلک ملی گرا ریشه داشت؛ ولی در اوایل انقلاب، به مثابه صف بندی جدیدی بود که با شعارها و تحلیل های فریبنده و سوء استفاده از جایگاه قانونی رئیس جمهوری که جانشینی فرماندهی کل قوا را هم برعهده داشت، در برابر مجلس شورای اسلامی، دولت شهید رجایی و قوه قضاییه به ریاست آیت الله شهید بهشتی، قدم علم کرده و درحقیقت، درصدد تسخیر زمام امور جامعه و کودتای خرنده علیه امام و انقلاب بود. برخورد مدبرانه امام خمینی با این بحران، چهره واقعی سردمداران

آن را افشا کرد و انقلاب و کشور را از دام آن نجات داد. در این مقطع نیز آنچه به حل مشکل کمک کرد، جایگاه رهبری ولایی و اعتماد و تبعیت مردم نسبت بدان بود.

۲-۳ دفاع مقدس

دوران هشت ساله دفاع مقدس (۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷) از جمله مهم ترین عرصه های کارآمدی رهبری

ص: ۳۱

ولایی در دوران پس از انقلاب است که تجربه بی مانندی برای کشور رقم زده است.

هجوم همه جانبه دشمن بعثی از هوا و زمین و از غرب و جنوب کشور، در ۳۱ شهریور ۵۹، در حالی آغاز شد که به ظاهر، هیچ نیروی دفاعی منظم و توانمندی بر سر راه مهاجمان قرار نداشت و به همین دلیل، اشغال کشور در مدت یک هفته، برای آنان هدفی واقعی و دست یافتنی می نمود. اگرچه فکر و طرح حمله به ایران از سال ها قبل برای رهبران تجاوزپیشه حزب بعث عراق جدی بود، پیروزی انقلاب و همدلی و همراهی دشمنان خارجی و نیز آشفته‌گی نیروی دفاعی، آرزوی پیروزی را برای صدامیان، تحقق پذیر نشان می داد و آنان را در عملی ساختن این فکر، ترغیب می کرد.

ساعاتی پس از آغاز تهاجم و تصرف بخش های مهمی از مناطق جنوبی و غربی کشور، پیام امام به مردم و نیروهای مسلح و اعلام عزم راسخ برای مقابله با مهاجمان و دفاع جانانه از میهن اسلامی و نظام انقلابی، با تکیه بر نیروی لایزال الهی و توکل بر خداوند متعال، اولین هدف

ص: ۳۲

دشمن را که وارد ساختنِ ضربهٔ روحی و القای ترس و حقارت بود، کاملاً خنثی کرد و بسیج نیروهای مردمی را برای عزیمت به مناطق جنگی و دفاع از کشور، به دنبال آورد.

ایستادگی و دفاع شجاعانه و مقتدرانه از کشور و انقلاب در مدتِ نزدیک به هشت سال تجاوزِ دشمنِ بعثی که از حمایت و کمک روزافزون مالی، سیاسی، تسلیحاتی، اطلاعاتی و تبلیغاتی دشمنان غربی و منطقه ای جمهوری اسلامی ایران بهره می بُرد، جز با رهبری ولایی و نفوذ معنوی ناشی از پشتوانهٔ دینی و الهی امام خمینی میسر نمی شد. بسیج و عزیمت نیروهای مردمی و جوانان پاک باخته و شهادت طلب، حمایت های معنوی و مادی مردم از جبهه ها، انسجام و همدلی فرماندهان سپاه و ارتش و فداکاری جهادگران و سنگرزبان بی سنگر، صبر و شجاعت مادران و پدران شهیدای گران قدر، حمایت و حضور روحانیان و حوزه های علمیه در جبهه ها، تحمل کاستی ها و کمبودهای اقتصادی و مادی، همسویی دولتمردان و رزمندگان برای ادامهٔ دفاع و... همگی ناشی از ارادت و اخلاصی بود که مردم و

مسئولان نسبت به رهبری ولایی، نه تنها به عنوان یک رئیس حکومت، بلکه به عنوان ولی فقیه و نایب امام زمان S داشتند. حفظ کشور در برابر این تجاوز سهمگین و طولانی، ثمره اختیارات و کارویژه های این نوع رهبری حاکم بر نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران است.

۲-۴ مهار قدرت

قدرت سیاسی واقعی است که گرچه ماهیتی اعتباری و قراردادی دارد، آثار آن در عینیت زندگی جامعه و نیز در فراهم کردن اختیارات و امکانات فراوان برای دارندگان آن، کاملاً واقعی و ملموس است؛ همان گونه که ثروت و دارایی نیز چنین است و حتی، حکمت و دانایی هم به اعتبار اینکه می تواند قدرت و توانایی به دنبال داشته باشد، ارزشمند شمرده شده است: «توانا بود، هر که دانا بود.»

قدرت سیاسی جامعه، در حقیقت توانایی ها و امکانات کل جامعه و حتی تا حدود زیادی، دارایی و دانایی آن را هم در اختیار دارد. پیشرفت های علمی و فناوری دوران جدید و نظام های

ص: ۳۴

نوبین حکومتی، این قدرت را دامنه دارتر و نسبت به گذشته، به مراتب، عظیم تر ساخته است. (۱)

این امکان عظیم و توانایی گسترده، چگونه باید در خدمت منافع و مصالح کلّ جامعه قرار گیرد و از سوءاستفاده های شخصی، گروهی، حزبی، قومی، صنفی و... در امان بماند؟

ناکامی حکیمان و مصلحان جوامع بشری و ناامیدی فلاسفه سیاست از طراحی و پیش بینی سازوکاری مؤثر برای «کنترل قدرت» و نیز، واقعیت تلخ تاریخی بشر که پر از ظلم و تبعیض و فساد ناشی از عدم کنترل قدرت ها بوده است، این انگاره را به صورت اصلی اجتناب ناپذیر و مسلّم درآورده است که «قدرت، فسادآور است» و ذات قدرت از فساد و تباهی، تفکیک پذیر نمی باشد.

در انقلاب ها هم، غالباً، انقلابیان که برای از بین بردن تباهی و فساد در قدرت سیاسی، مبارزه

ص: ۳۵

۱- نام کتاب معروف هابز، لویاتان، ناظر به همین حقیقت است: قدرت سیاسی، غول عظیم و قدرتمندی است که هر مانعی را برای اعمال نفوذ و تصرف در زندگی اجتماعی و شئون گوناگون آن، از سر راه خود برمی دارد و با هر قالب و چارچوبی، بالاخره، اراده خود را محقق می سازد.

کرده و پیروز شده اند؛ خود به قدرتمندان و حاکمانِ مستبد جدید تبدیل می شوند و حتی با نقاب و زیر چتر انقلاب و مبارزه، به قدرت خود کامه خود ارزش می بخشیده و طبقه جدیدی را تشکیل می داده اند. (۱)

در این زمینه، تجربه مشروطه برای کشور ما، تلخ و عبرت آموز بوده است: مشروطه خواهان چگونه پس از تصرف تهران و تبعید محمدعلی شاه، به قلع و قمع پرداختند و حتی مجتهد نامداری همچون شیخ فضل الله نوری را به دار کشیدند؟

«رهبری ولایی» با مختصات و شروطی که در مفهوم و مصداق آن پیش بینی کرده اند، مانع تکرار این تجربه های تلخ شد و ضمن استقرار نظم و نظام جدید، در کنترل قدرت سیاسی و هدایت آن در جهت تحقق اهداف متعالی انقلاب، نقش بسیار مؤثری بازی کرد.

ص: ۳۶

۱- ر.ک: میلوان جیلاس، طبقه جدید.

دوران طولانی حاکمیت استبدادی فاسد و وابسته به بیگانه در دوران پیش از پیروزی انقلاب، مانع پیدایش و شکل گیری زمینه ها و بستر مناسب برای تعامل باز و طبیعی افکار، اندیشه ها و دیدگاه ها بود. فقدان این تعامل تدریجی و طبیعی، مانع تعادل در جامعه و موجب شکل گیری گروه ها، جریان ها و اندیشه های افراطی و تفریطی در عرصه های گوناگون اعتقادی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شد. این افراط ها و تفریط ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مجال ظهور و بروز یافت و کشمکش ها و اختلافاتی جدی، حتی در میان شخصیت ها، گروه ها و جناح های طرفدار و صدیقی امام و انقلاب، به وجود آورد.

مروری بر دیدگاه ها و خواست هایی که بلافاصله پس از پیروزی مطرح شد، شکاف فاحش ناشی از همین افراط ها و تفریط ها را تا حدودی نشان می دهد. البته، همان گونه که اشاره شد، بیش از اینکه معتقدان و هواداران این دیدگاه ها مقصر باشند، وضعیت خفقان بار و استبدادی

جامعه و عدم امکان تعامل و تبادل نظر در میان صاحب نظران و نخبگان، در پیدایش این وضعیت مؤثر بود؛ اما آثار زیان بار این شکاف، آن هم در فضای انقلابی می توانست برای جامعه، فاجعه آفرین باشد و به صف بندی و رویارویی نیروهای انقلاب منجر شود. تنها عاملی که توانست این وضعیت را مهار و افراط و تفریط ها را به نقطه تعادل نزدیک کند، نفوذ و جایگاه معنوی و الهی امام راحل بود. (۱)

اگرچه در سال های پس از پیروزی انقلاب، به تدریج، حساسیت و اهمیتی که ایفای این نقش در دوران اوج گیری و پیروزی انقلاب داشت، کاهش یافت، هیچ گاه جامعه ما از این کارکرد رهبری ولایی بی نیاز نشده است.

ص: ۳۸

۱- مرحوم شهید بهشتی به یکی از نمونه هایی اشاره کرده است که در دوران اوج گیری انقلاب، در آبان ۵۷، «برخی بگومگوها و درگیری ها درباره چهره های شاخص خاص» را پایان بخشید. ر.ک: مرتضی نظری، خاطرات ماندگار از زندگی آیت الله دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی، ص ۶۴.

در سال های اخیر که بر سر بعضی مباحث، همانند اصلاحات، مردم سالاری، آزادی، توسعه سیاسی و... افراط و تفریط های فراوانی شاهد بوده ایم، دیدیم که در برابر تعارض و صف بندی جریان های فکری و سیاسی رقیب که هر کدام، تعریف و تحدید کاملاً متفاوتی از این مقولات داشتند و حتی، گاه در تقابل با یکدیگر، تا مرز طرد یا تقدیس این واژه ها و اصطلاحات نیز پیش می رفتند، چگونه با تبیین مبتکرانه و جامع رهبری، این افراط ها و تفریط ها به نقطه تعادل نزدیک شد و جامعه از سردرگمی رهایی یافت.

البته، گذار از این افراط ها و تفریط ها، شاید هرگز رخ ندهد؛ ولی، ممکن است از شکاف ها و فاصله های ایجاد شده، به تدریج کاسته شود. هرچه تعامل فکری، تضارب اندیشه ای، تحمل و ظرفیت، جامع نگری و مواجهه منطقی با مسائل و چالش ها، به خصوص در میان نخبگان و صاحب نظران افزایش یابد، می توان بیش از گذشته به تمایل همه جریان ها و جناح ها به نقطه تعادل امیدوار بود. تجربه های پس از پیروزی انقلاب تاکنون، سرمایه ای است برای عبرت آموزی و

توجه جریان‌ها و جناح‌های فکری و سیاسی، به ضرورت عدول از افراط و تفریط.

به هر حال، نقش رهبری ولایی و کارکرد وی در پیشگیری از رشد یا غلبه دیدگاه‌های افراطی و تفریطی و هدایت جامعه به سوی تعادل، ناشی از نفوذ جایگاه و شأن فکری و اعتقادی اوست و در صورت نبود این نهاد در نظام سیاسی ایران، هزینه‌ها و فشارهای فراوانی بر جامعه تحمیل می‌شد و چه بسا، مجالی برای شکل‌گیری و ثبات نظام سیاسی مستقل و مردمی، باقی نمی‌ماند.

ص: ۴۰



۳. سخنی در پایان



۳. نبود نهاد رهبری در ساختار قدرت در ایران، چه پیامدهایی در پی خواهد داشت؟

نمونه‌ها و زمینه‌های دیگری را هم می‌توان بررسی کرد که در آن‌ها، نبودن رهبری ولایی مشکلات حل‌نشده و خسارت‌های جبران‌ناپذیری را متوجه جامعه ما می‌ساخت. جامعه ایرانی با همه ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی‌اش، تنها با تکیه بر عنصر اسلام و دیانت که تکیه‌گاه اصلی رهبری ولایی نیز هست، توانسته است چالش‌های فراوانی را پشت سر نهد و وضعیتی باثبات و منسجم برای پیشرفت و رشد خود فراهم سازد.

اگر این عنصر در عرصه سیاست و نظام ما وجود نمی‌داشت، به فرض اگر هم انقلابی رخ می‌داد که می‌توانست ریشه‌های استبداد و استعمار را از بن برکند، قطعاً رقابت‌های جناحی بر سر قدرت، فقدان مشروعیت و پشتوانه مردمی، تعارض و تراحم متقابل نهادهای حکومتی و نهادهای دینی، بحران بر سر انتقال و تبادل قدرت بین احزاب و جناح‌ها، تهدیدها

ص: ۴۳

و فشارهای سیاسی خارجی، آفت‌ها و آسیب‌های طبیعی و معمول در قدرت سیاسی و... هر کدام به تنهایی، استقلال و عزت ملی ایران را تهدید کرده، زمینه دخالت‌های استعماری و شکل‌گیری استبدادی خشن را فراهم می‌کرد.

امروز جامعه ما، با وجود همه کاستی‌ها و ضعف‌های داخلی و فشارها و توطئه‌های خارجی، تنها به برکت اسلام و نظام سیاسی برخاسته از آن، با تکیه گاه اجتماعی مردمی و مستحکم و در پرتو رهبری ولایی، در وضعیتی باثبات و مقتدر قرار دارد که آثار و ثمرات آن برای هر فرد آگاه و منصفی، مشهود و ملموس است.

برای مطالعه بیشتر

۱. ولایت فقیه؛ ولایت فقاها و عدالت، عبدالله جوادی آملی، نشر اسراء.
۲. رهبر و رهبری، حمید رضا شاکرین، سید سجاد ایزدهی، محسن ملک‌افضلی، مرکز پژوهش‌های جوان، کانون اندیشه جوان، ۱۹۳۱.
۳. ولایت فقیه در آئینه پرسش، حمید رضا شاکرین، کتابچه رهنما، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی، ش ۱۸.

بسمه تعالی

هَلْ يَشْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
 ۲. ارتباط با مراکز هم سو
 ۳. پرهیز از موازی کاری
 ۴. صرفا ارائه محتوای علمی
 ۵. ذکر منابع نشر
- بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و ...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

